

(یعنی مکه) آنکه محترم ساخت آنرا و بتصرف اوست هر چیز، و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان (٩١) .

و فرموده شد آنکه بخوانم قرآن را پس هر که راه یافت پس جزاین نیست که راه می یابد برای نفع خویشتن و هر که گمراه شد بگو جزاین نیست که من از بیم کنندگانم (٩٢) .

و بگوستایش خدای راست خواهد نمود شمارا آیات خود پس بشناسید آنها را و نیست پروردگارتو بی خبر از آنچه می کنی (٩٣) .

سوره قصص مکی است و آن هشتاد و هشت آیت و نه رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسّم ①

بِكَ الْكِتَابِ الْهُدَى ②

تَنزِيلًا عَلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ③

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا

يَسْتَضِعُّ مِنْ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ يُدْعِيهِمْ إِلَىٰ آبَاءِهِمْ وَيَسْتَدْعِي

نِسَاءَهُمْ وَأَهْلَهُمْ كَانُوا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ④

وَيُرِيدُ أَنْ يَمُرَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ

وَيَجْعَلَهُمْ آيَةً وَيَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ⑤

بنام خدای بخشاینده مهربان .  
طسّم (١) .

این آیت های کتاب روشن است (٢) .  
بخوانیم بر تو بعض خبر موسی و فرعون  
به راستی برای گروهی که باور میدارند  
(٣) .

هر آئینه فرعون تکبر کرد در زمین و ساخت  
اهل آن را گروه گروه زبون می گرفت  
جماعتی را از ایشان، می کشت پسران  
ایشان را و زنده می گذاشت دختران ایشان  
را هر آئینه وی بود از مفسدان (٤) .

و می خواستیم که نعمت فراوان دهیم  
بر آنان که زبون گرفته شدند در زمین  
و پیشوا سازیم ایشان را و وارث کنیم

ایشان را (۵) .

و دسترس دهیم ایشان را در زمین و بنمائیم فرعون و هامان و لشکر های ایشان را از بزبون گرفتگان آنچه می ترسیدند (۶) .

و الهام فرستادیم بسوی مادر موسی اینکه شیریده او را پس چون بترسی بروی بینداز او را در دریا و مترس و اندوه مخور هر آئینه مابازرساننده اوئیم بسوی تو و گرداننده اوئیم از پیغامبران (۷) .

پس برگرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کارشود برای ایشان دشمن و سبب اندوه هر آئینه فرعون و هامان و لشکرهای ایشان خطا کننده بودند (۸) .

و گفت زن فرعون این طفل خنکی چشم ست مرا و ترا مکشیدش بود که نفع دهد مارا یا فرزندگیریم او را و ایشان حقیقت حال نمی دانستند (۹) .

و گشت دل مادر موسی خالی از صبر هر آئینه نزدیک بود که آشکارا کند آن قصه را اگرمانمی بستیم بردل اورشته<sup>(۱)</sup> تا باشد از باور دارندگان (۱۰) .

و گفت خواهرش رابری او برو پس بدید او را از دور و قوم فرعون نمی دانستند . (۱۱)

و حرام ساختیم بر موسی شیردایگان پیش

و نَبَيْنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نَزَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٥﴾

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَاذْخِفِيهِ عَلَيْهِ فَالْقِيَةُ فِي الْبَيْمِ وَ لَا تَحْزَنِي وَ لَا تَأْرَاوَهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦﴾

فَالنَّظْمَةَ الْفِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِبِينَ ﴿٧﴾

وَ قَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قَوَّضْتَ عَيْنِي لِيْ وَ لَكَ لَا تَقُوتُ لَوْ كُنْتَ عَلَىٰ أَنْ تَنْفَعَنَا أَوْ تَنْجِدَنَا وَ لَدَا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾

وَ اصْبِرْ فَوَإِذِ امْرُوسَىٰ فِرْعَانَ كَادَتْ لِتُجِدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُهْمِلِينَ ﴿١٠﴾

وَ قَالَتِ لِأُخْتِهِ قُتَيْبَةُ بَاصِرَتُ بِهِ عَن جُنُبٍ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١١﴾

وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ

(۱) یعنی صبر نمی دادیم .

أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَصْحُونَ ﴿١٢﴾

از وصول خواهر پس خواهرش گفت آیاراه  
نمایم شمارا براهل خانه ای که خبرداری  
این طفل کنند برای شماوایشان برای  
اونیک خواهانند (١٢) .

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَبَرَّعَ بِهَا وَلَا تُحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ  
أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

پس باگردانیدیم اورا بسوی مادراو  
تاخنک شود چشم وی واندوه نخورد  
وتابداند که وعده خدا راست ست  
ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند (١٣) .

وَلَتَأْتِيَ آسَافَةَ وَآسَتَوَىٰ أَسْبَنَةَ حُلُمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ  
يُخَبِّرُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾

وچون رسید بنهایت جوانی خود ودرست  
اندام شد دادیم اورا حکمت ودانش  
وهمچنین جزامی دهیم نیکوکاران را  
(١٤) .

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا  
رَجُلَيْنِ يَمْتَنِعَانِ هَذَا مِنَ شَيْعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ  
فَأَسْتَفَافَا الَّذِي مِنَ شَيْعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ  
فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ  
إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

ودرآمد در شهر بروقت بیخبری اهل آن  
پس یافت آنجا دوشخص که بایکدیگر  
جنگ می کردند آن يك ازقوم موسی بود  
و آن دیگر ازشمنان وی پس مدد طلب  
کرد شخصی که ازقوم او بود برآن دیگر  
که ازشمنانش بود پس مشت زد او را  
موسی پس بکشتش گفت این ازکار  
شیطان ست هرآئینه شیطان دشمن گمراه  
کننده آشکاراست (١٥) .

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ  
هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾

گفت ای پروردگارمن هرآئینه من ستم  
کردم برخویش پس بیامرزمرا پس  
بیامرزیدش هرآئینه وی آمرزنده مهربان  
ست (١٦) .

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا  
لِلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾

گفت ای پروردگارمن بحق انعام کردن تو  
برمن هرگز نخواهم بود مددگار گنهگاران  
(١٧) .

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ

پس گشت کرد درشهر ترسان انتظار کنان

پس ناگهان شخصی که مدد طلب کرده بود دیروز باز بفریاد رسی میخواندش گفت بوی موسی' هرآئینه توگمراه آشکاری (۱۸) .

پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که وی دشمن موسی' و دشمن فریادکننده بودگفت فریاد کننده ای موسی' آیامیخواهی که بکشی مراچنانکه کشتی شخصی را دیروز نمی خواهی مگر آنکه باشی ستمگاری در زمین و نمی خواهی که باشی از نیکوکاران<sup>(۱)</sup> (۱۹) .

و آمد شخصی از آخر شهر شتابان گفت ای موسی' هرآئینه رئیسان مشورت می کنند درحق تو تابکشند ترا پس بیرون روهرآئینه من برای تواز نیک خواهانم (۲۰) .

پس بیرون آمد ازآن شهر ترسان انتظار کنانگفت ای پروردگار من خلاص کن مرا ازگروه ستمگاران (۲۱) .

ووقتیکه متوجه شد بسوی شهر مدین گفت امیدوارم ازپروردگارخویش که دلالت کند مرا براه راست (۲۲) .

ووقتیکه رسید بآب مدین یافت برآن آب طائفه ای را از مردمان آب می نوشانیدند

بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ ﴿۱۸﴾

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ يَا ذِي الْمَعَادِ وَكُلَّمَا قَالِ  
يُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِكَ لَمَّا كُنَّا نَمُنَّ بِنُوحٍ  
إِنْ يُرِيدُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا نُرِيدُ  
أَنْ نَكُونَ مِنَ الْمُصَلِحِينَ ﴿۱۹﴾

وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ يَدْعُو قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ  
الْمَلَائِكَةَ يُاتُونُوكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنَّكَ  
مِنَ الضَّالِّينَ ﴿۲۰﴾

فَخَرَجَ وَمَتَّأ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي  
مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۲۱﴾

وَلَمَّا تَوَجَّهَ بِلِقَاءِ رَبِّهِ قَالَ أَلَسْ بِرَبِّيَ الْيَقِينِ  
سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿۲۲﴾

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ

(۱) یعنی چون موسی' او را توگمراه آشکاریگفت دانست که غضب کرده برسر من می آید .

يَسْقُونَهُ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۗ قَالَ  
مَا خَطْبُكُمَا - قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِّقَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا  
شَيْخًا قَدِيرًا ﴿٢٣﴾

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ  
إِلَىٰ مِنْ خَيْرٍ قَدِيرٌ ﴿٢٤﴾

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَشْوِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ ۖ قَالَتْ إِنَّ ابْنِي يَأْتِيكُمُ  
بِخَبْرِكُمْ أَجْرًا مَسْقِيَةً لَنَا ۖ فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَضَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ  
قَالَ لَا تَخَفْ ۖ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ ۖ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ  
الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

قَالَ ابْنِي لَأُرِيدَنَّ أَنْ أَكْفِكَ إِحْدَىٰ ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ  
تَأْجُرَنِي ۖ لَعَلِّي جَارٌ ۖ فَمَا أَنْتَ بِعَمْرِ آهِمِنْ عِنْدِكَ  
وَمَا أُرِيدَنَّ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ ۖ سَمِعْتُنِي إِذْ سَاءَ اللَّهُ  
مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٧﴾

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلِينَ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ  
عَلَيَّْ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

مواشی را ویافت آن طرف از ایشان دوزن  
که باز میدارند مواشی خود را گفت موسیٰ  
بآن دوزن چیست حال شما گفتند ما آب  
نمی نوشانیم تا آنکه باز گردانند شبانان  
مواشی را و پدر ما پیرکلان سال ست (٢٣).

پس موسیٰ آب نوشانید برای این هر  
دوبار و آورد بسوی سایه پس گفت ای  
پروردگار من هر آینه من بآنچه فرود آوردی  
بسوی من از نعمت محتاجم (٢٤).

پس آمد بموسیٰ یکی ازین دوزن راه  
میرفت بشرم گفت هر آینه پدر من میخواند  
ترا تا بتودهد مزد آنکه آب دادی برای  
ما پس چون موسیٰ بیامد نزد او و حکایت  
کرد پیش او قصه را گفت مترس خلاص  
شدی از قوم ستمگاران (٢٥).

گفت یکی ازین دو دختر ای پدر من بخدمت  
بگیر او را هر آینه بهترین کسیکه بخدمت  
گیری شخصی توانا با امانت باشد (٢٦).

گفت هر آینه من میخواهم که بزنی بدهم  
ترا یکی ازین دو دختر خود بشرط آنکه  
خدمت من کنی هشت سال پس اگر تمام  
کنی ده سال را پس آن تبرع است از نزد  
تو و نمی خواهم که مشقت افکنم بر تو  
خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است  
از شائستگیان (٢٧).

گفت موسیٰ این ست عهد میان من و میان  
تو هر کدام ازین دو مدّت که ادا کنم تعدی  
نباشد بر من و خدا بر آنچه می گوئیم گواه  
ست (٢٨).

پس چون اداکرد موسیٰ آن میعادرا و روان شد باهل خود دید بجانب کوه طور آتشی راگفت باهل خود توقف کنیدهر آئینه دیده ام آتشی امیددارم که بیارم برای تان از آنجا خبری یا بیارم شعله ای از آتش بود که شما تحصیل گرمی کنید (۲۹) .

پس چون آمد نزدیک آتش آواز داده شد از کرانهٔ راست میدان درجائیگاه بابرکت از میان درخت که ای موسیٰ هر آئینه من خدایم پروردگار عالم ها (۳۰) .

وآنکه بافکن عصای خودرا پس چون دید که عصا حرکت می کندگویاوی ماریست رو برگردانید پشت داده وبازنه گشت گفتیم ای موسیٰ پیش آی و مترس هر آئینه توازایمانی (۳۱) .

و درآردست خودرا درگریبان خود تابیرون آید سفید شده از غیر علتی وبهم آربسوی خود بازوی خودرا از ترس<sup>(۱)</sup> پس این هردونشانه اند فرود آمده از جانب پروردگارتو بسوی فرعون وجماعت او هر آئینه ایشان بودندگروه بدکار (۳۲) .

گفت ای پروردگار من هر آئینه من کشته ام از ایشان شخصی را پس می ترسم که بکشند مرا (۳۳) .

وبرادرمن هارون فصیح تراست ازمن

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿۲۹﴾

فَلَمَّا آتَاهَا نُورًا مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يُّوسَىٰ إِنِّي آنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۰﴾

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يُّوسَىٰ أَقْبَلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِينَ ﴿۳۱﴾

أَسْلَمُكَ يَدَكَ فِي جُنُبِكَ تَخْرُجُ بِيضًا مِنْ عَدْرٍ سَوِيٍّ وَاضْمُرْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَلِكُمْ يَزِيهَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِذْ هُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿۳۲﴾

قَالَ رَبِّ إِنِّي كَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿۳۳﴾

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَضْمَرْتُ مِنِّْي لِسَانًا فَأَدْرِيسُهُ مَعِيَ رِدْءًا

(۱) یعنی برای دفع ترسی که بسبب ظهورِ خوارق پیدا شده .

يُصَدِّقُنِي إِلَىٰ آخَفٍ أَن يُكَلِّبُونِ ﴿٣٥﴾

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا  
سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيٰتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ  
اتَّبَعٰكُمَا الضَّالِّیُّونَ ﴿٣٥﴾

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيٰتِنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوا مَا هٰذَا إِلَّا كِبٰرُ  
مُفْتَرٰی وَمَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِي آيٰتِنَا الْأُولٰٓئِنَ ﴿٣٦﴾

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٰ أَعْلَمُ بِمَن جَاءَهُ الْهٰدِیٰ مِنْ عِنْدِی  
وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٣٦﴾

وَقَالَ فِرْعَوْنُ یٰٓأَيُّهَا الْمَلٰٓئِكَةُ عَلِمْتُ لَكُم مِّنَ الْوَعْدِیۡ  
فَأَوْقِدْ لِيۡ یِهٰمُنْ عَلٰی الطَّیْرِ فَاجْعَلْ لِّيۡ صَرَخًا  
تَعْلَمُ الظَّالِمَةُ إِلَىٰ الْوَمُوسٰی وَإِنِّیۡ لَظٰنَةٌ  
مِّنَ الْكٰذِبِیۡنَ ﴿٣٧﴾

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُودُهُ فِی الْأَرْضِ بِغَدْرِ الْحَقِّ وَظَنُوٓا  
أَنَّهُمُ الْبٰتِنُ لَا یُرْجَعُونَ ﴿٣٨﴾

فَآخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُ فِی الْبَحْرِ فَأَنْظَرْنٰهُ  
كَأَن عَاقِبَةُ الظَّالِمِیۡنَ ﴿٣٩﴾

از جهت زبان پس بفرست اورا همراه من  
مدد کننده که باوردارد مرا هرآئینه من می  
ترسم ازآنکه دروغگو شمرند مرا (٣٤).

گفت خدا محکم خواهیم کرد بازوی ترا  
به برادر تو وخواهیم داد شمارا غلبه پس  
نه توانند رسید بقصد ایذا بسوی شما  
بسبب نشانه های ما، شما وآنانکه پیروی  
شما کرده اند غالب خواهید شد (٣٥).

پس چون آورد موسیٰ برایشان نشانه های  
روشن مارا گفتند نیست این مگر جادوی  
بر بسته ونه شنیدیم این رادر پدران  
نخستین خویش (٣٦).

و گفت موسیٰ پروردگار من داناترست  
بهرکه آورده است هدایت از نزد او وبهرکه  
اوراست عاقبت پسندیده در آخرت هرآئینه  
رستگار نمی شوند ستمگاران (٣٧).

وگفت فرعون ای سرکردگان ندانسته ام  
برای شما هیچ معبودی غیر خود پس  
آتش برافروز برای من ای هامان بر گل  
(یعنی خشت بساز) پس بناکن برای من  
کوشکی بُود که من مطلع شوم از معبود  
موسیٰ وهرآئینه من می پندارم  
اورا از دروغ گویان (٣٨).

وتکبر کرد فرعون ولشکرهای او در زمین  
بغیر حق وگمان کردند که ایشان بسوی ما  
بازگردانیده نشوند (٣٩).

پس گرفتیم اورا ولشکر های اورا پس  
افگندیم ایشان را در دریا پس درنگر  
چگونه بود انجام ستمگاران (٤٠).

وگردانیدیم ایشان را پیشوایانی که میخوانند بسوی آتش و روز قیامت نصرت داده نشوند (۴۱) .

وازی ایشان فرستادیم درین دنیا لعنت را و بروز قیامت ایشان از دور ساختگان باشند (۴۲) .

وهرآینه دادیم موسی را کتاب بعد از آن که هلاک ساختیم قرنهای نخستین را دلیل شده برای مردمان و هدایت و بخشایش تا بود که ایشان پندپذیر شوند (۴۳) .

و تو نبودی بطرف غربی چون بانجام رسانیدیم بسوی موسی وحی را و نبودی از حاضران (۴۴) .

ولیکن ما آفریدیم قرنهار یعنی بعد موسی پس دراز شد برایشان عمر و تونبودی باشند دراهل مدین که بخوانی برایشان آیات ما را ولیکن ما بودیم فرستنده (۴۵) .

و نبودی توبجانب طور چون آواز دادیم ولیکن وحی آمد از روی بخشایش پروردگار تو تا ترسانی گروهی را که نیامده بود بدیشان هیچ ترساننده پیش از تو بود که ایشان پندپذیر شوند (۴۶) .

و اگر نه آن بودی که برسد بدیشان عقوبتی بسبب آنکه پیش فرستاده است دست های ایشان پس گویند ای پروردگارا چرا نه فرستادی بسوی ما پیغامبری را تا پیروی آیات تو کنیم و باشیم از مسلمانان (۴۷) .

(پیغامبران را می فرستادیم) پس چون آمد بایشان وحی راست از نزد ما گفتند

وَعَمَلُهُمْ آيَةً يَدْعُونَ إِلَى الْتَارَةِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَبْصُرُونَ ﴿٤١﴾

وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَعْبُورِينَ ﴿٤٢﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بِصَآئِرٍ لِلنَّاسِ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٤٤﴾

وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَتْ إِلَيْهِمُ الْعُمُورُ وَمَا كُنْتَ تَأْوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتَلَوُا عَلَيْهِمُ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَلَمْتَهُمْ مِنْ نَدِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾

وَأَلَّا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ لِمَا قَدَّمْتَأْيِدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا آلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا قَدْ نَبِّئُهمُ الْآيَاتِ وَكَوْنُوا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أَوْفَىٰ



چرا داده نشد این پیغامبر را مانند آنچه داده شد بموسیٰ آیا کافر نشده اند بآنچه داده شده موسیٰ را پیش ازین، گفتند دوسحر اند موافق يك دیگر شده<sup>(۱)</sup> و گفتند هر آئینه ما بهريك كافر انیم (۴۸) .

بگو پس بیارید کتابی فرود آمده از نزد خدا که وی راه نماینده تر باشد ازین دو، تاپیروی اوکنم اگر راست گوئید (۴۹) .

پس اگر قبول نکنند سخن ترا پس بدان که جز این نیست که پیروی می کنند خواهش نفس خود را و کیست گمراه تر از کسیکه پیروی خواهش نفس خود کند بدون راه نمائی خدا هر آئینه خدا راه نه می نماید گروه ستمگاران را (۵۰) .

وهر آئینه ما پی در پی آوردیم برای ایشان این قرآن را تا بآید که ایشان پند پذیرند (۵۱) .  
آنانکه داده ایم ایشان را کتاب پیش از قرآن ایشان بقرآن ایمان می آرند (۵۲) .

و چون قرآن خوانده میشود برایشان گویند ایمان آوردیم بآن هر آئینه وی راست است از جانب پروردگار ما هر آئینه ما پیش از نزول قرآن متقاد بودیم (۵۳) .

این جماعت داده میشود ایشان را مزد ایشان دوبار بسبب آنکه صبر کردند و دفع می کنند بخصلت نیک بدی را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند (۵۴) .

مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ  
مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا  
إِنَّا بَعْضُكُم لَكُفْرُونَ ﴿٤٨﴾

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَنْزَلْنَاهُ  
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾

فَإِنْ لَّمْ يَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَكْفُرُونَ أَهْوَاءَهُمْ  
وَمَنْ أَحْسَنُ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ يَفِيءُ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ  
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾

أَلَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

وَإِذْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْقُرْآنَ الْمُبِينَةَ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّآ كُنَّا  
مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾

أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَوَيَذَرُوهَا  
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾

(۱) یعنی تورات و قرآن .

و چون بشنوند سخن بیهوده را روبگرداند از آن و گویند ماراست کردار های ما و شماراست کردار های شما سلام بر شما باد نمی خواهیم صحبت جاهلان<sup>(۱)</sup> (۵۵).

(یا محمد) هر آئینه تورا نمی نمائی هر که را دوست می داری ولیکن خدا راه می نماید هر که خواهد و او داناترست براه یافتگان (۵۶).

و گفتند بعض اهل مکه اگر پیروی هدایت کنیم باتو ربهوده شویم از زمین خود<sup>(۲)</sup> آیا جا نه دادیم ایشان را در حرمی با امن رسانیده میشود بسوی وی میوها از هر جنس روزی از نزد ما لیکن بیشترین ایشان نمی دانند (۵۷).

و بسا هلاک کردیم ازده ها که از حد در گذشتند در گذران خود پس اینهاست جای ماندن ایشان مانده نشد آنجا بعد از ایشان مگر اندکی و بودیم مابدست آرنده میراث ایشان (۵۸).

و هرگز نیست پروردگارتو هلاک کننده ده ها تا آنکه بفرستد در قصبه آن پیغامبری که بخواند برایشان آیات ما و هرگز نیستیم هلاک کننده ده ها مگر در آن حال که اهل آنها ستمگار باشند (۵۹).

وَإِذْ أَسْمِعُوا النَّعْوَىٰ تَصَوَّاعُنَهُ وَقَالُوا إِنَّ آعْمَانَا  
وَلَكُمُ الْعَمَلُ كُلُّهُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَتَّبِعُوا الْجَاهِلِينَ ﴿۵۵﴾

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي  
مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۵۶﴾

وَقَالُوا إِنَّا تَتَّبِعُمُ الْهُدَىٰ مَعَكُمْ نُنْخَظُفُ مِنْ أَرْضِنَا  
أَوْ لَوْ نُمِيزُكُمْ لَحَرَمْنَا الْيَمِينَاتِ الْيَهُودَ تَمَرَاتٍ لِّئَلَّا  
يُرَىٰ قَائِمٌ كَذِبًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۷﴾

وَلَوْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ لَطَرَبْتُمْ مَعِشَتَهَا فَمَا تَحْتَلِكُمْ  
لَوْ تَسْكُنُونَ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْلَا عَسَىٰ الْوَرِثَةُ ﴿۵۸﴾

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ مَّرْسُولًا لِيَتْلُوا  
عَلَيْهِمُ الْبَيِّنَاتِ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿۵۹﴾

- (۱) مترجم گوید یهود پیش از آنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدينه هجرت کند و نسخ يهوديت تصريح فرمايد معتقد قرآن بودند و می گفتند عرب را قرآن لازم ست .  
(۲) یعنی مردمان اخراج کنند .

وهرچه داده شد شمارا از هر نوعی پس بهره مندی زندگانی دنیا و آرایش و بست و آنچه نزد خداست بهتر و پائنده ترست آیانی فهمید (۶۰) .

آیا کسیکه وعده دادیمش وعده نیک پس او دریابنده آنست مانند کسی است که بهر مند ساختیمش بمنفعت زندگانی دنیا بازوی روز قیامت از حاضر کردگان ست<sup>(۱)</sup> (۶۱) .

و روزیکه آواز دهدایشان را پس گوید کجایند آن شریکان من که شما گمان می کردید (۶۲) .

گویند آنانکه ثابت شد برایشان حکم عذاب<sup>(۲)</sup> ای پروردگارا این جماعت اند که گمراه کردیم ایشان را چنانکه خود گمراه شدیم<sup>(۳)</sup> بی تعلق شدیم از همه بسوی تو، ایشان مارانمی پرستیدند (۶۳) .

و گفته شود بخوانید شریکان خود را پس بخوانند ایشان را پس ایشان قبول نه کنند دعای ایشان و ببینند عذاب را و تمنا کنند کاش ایشان راه یاب می بودند (۶۴) .

و روزیکه آواز دهد خدا ایشان را پس گوید چه جواب دادید پیغامبران را (۶۵) .

پس مشتبه شود برایشان خبرها آن روز

وَمَا أُوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّاعٌ لِلْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَبِّتُمْهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۶۰﴾

أَمَّنْ وَعَدْنَاهُ وَعَلَّمَ حَسَنًا فَهُوَ أَزْوَاجِهِ لَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَّاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿۶۱﴾

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿۶۲﴾

قَالَ الَّذِينَ سَخَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلَ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِمْ لَسَاغِيَةً فَذَرْنَا لَكَ مَا كَانُوا إِيَّاكَ يَعْبُدُونَ ﴿۶۳﴾

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأُوا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لَهُمُ مَا كَانُوا يَزْعُمُونَ ﴿۶۴﴾

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿۶۵﴾

فَعَبَّيْتُمْ عَلَيْهِمُ الْآيَاتِ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿۶۶﴾

(۱) یعنی در عذاب .

(۲) یعنی رئیسان کفر .

(۳) یعنی بغیر اکراه .

پس ایشان ازیک دیگر سوال نه کنند<sup>(۱)</sup>  
 . (۶۶)

پس آنکه توبه نمود وایمان آورد  
 وکارشائسته کرد پس امید ست که باشد  
 ازستگاران (۶۷) .

و پروردگار تومی آفریند هرچه خواهد  
 وبرمی‌گزیند هرکراخواهد نیست ایشان را  
 اختیار، پاکی خدای راست وبلند ترست  
 ازآنکه شریک می آرند (۶۸) .

وپروردگارتو میداند آنچه پنهان می دارد  
 سینه های ایشان وآنچه آشکارامی کنند  
 . (۶۹)

واوست خدا، نیست هیچ معبود بحق  
 غیراو اوراست ستایش دردنیا وآخرت  
 واوراست فرمانروائی وبسوی اوباز  
 گردانیده شوید (۷۰) .

بگو آیددید که اگرگرداند خدای تعالی  
 برشما شب را پاینده تاروز قیامت کیست  
 معبودی غیر حق که بیاردپیش شماروشنی  
 را آیانمی شنوید (۷۱) .

بگوآیا دیدید که اگرگرداند خدای تعالی  
 برشما روزرا پاینده تا روزقیامت کیست  
 معبودی غیرحق که بیاردبشما شبی را که  
 آرامگیرید درآن آیانمی بینید (۷۲) .

وازرحمت خود ساخت برای شما شب و  
 روز را تاآرام‌گیریددرشب وتاروزی طلب

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَحَسْبَىٰ أَنْ  
 يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ۝

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِمَّنْ  
 اللَّهُ وَعَلَىٰ غَايِبَاتِهِمْ لِقَوْمٍ ۝

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ الْأُولَىٰ  
 وَالْآخِرَةُ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْكَيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ  
 الْقِيَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَاللَّهُ بِآيَاتِكُمْ بَصِيرٌ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ۝

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْكَيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ  
 الْقِيَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَاللَّهُ بِآيَاتِكُمْ بَصِيرٌ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ۝

وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ جَعَلَ لَكُمُ الْكَيْلَ وَاللَّهُ لَاسْتَكْبَرُوا فِيهِ

(۱) یعنی جواب باصواب نیابند .

وَلِيَتَّبِعُوا مِن فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۷۳﴾

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿۷۴﴾

وَتَزْعُمَانِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدٌ افْتَلَكُنَّ هَاهُنَا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۷۵﴾

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مِصْرَ فَبَقِيَ عَلَيْهِمْ وَاتَّيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِن مَفَاحِهِ لَتَسْوَى بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿۷۶﴾

وَابْتِئُوا بِمِثْلِ آتِكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَاتَسْ وَصِيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَاتَتَّبِعْ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿۷۷﴾

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَو لَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ كَذَّاهُكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ

کنید از فضل او<sup>(۱)</sup> و تا شکر گذاری کنید . (۷۳) .

و روزیکه آواز دهد ایشانرا پس گوید کجایند آن شریکان من که گمان می کردید . (۷۴) .

و بیرون کشیم از هرامتی گواهی را<sup>(۲)</sup> پس گوئیم قوم را بیارید دلیل خود پس بدانند که حق بجانب خداست و گم شود از ایشان آنچه افترا می کردند (۷۵) .

هرآئینه قارون بود از قوم موسی پس تعدی کرد برایشان و عطا کرده بودیم او را از گنجها آن قدر که کلید های او گرانی می کرد جماعت صاحب توانائی را چون گفت باو قوم او شادمشو هرآئینه خدادوست نمی دارد شاد شوندگان را (۷۶) .

و بجوی در آنچه خدا عطا کرده است ترا صلاح سرای آخرت و فراموش مکن حصه خود از دنیا<sup>(۳)</sup> و نیکوکاری کن چنانکه احسان کرده است خدا بر تو و مجو فساد در زمین هرآئینه خدا دوست نمی دارد فساد کنندگان را (۷۷) .

گفت جزاین نیست که داده شده است مرا مال فراوان بنا بر دانشی که نزد من ست

(۱) یعنی در روز .

(۲) یعنی هر بیغامبری بر قوم خود گواهی دهد .

(۳) یعنی در دنیا عمل صالح بجآر .

آیاندانست که خداها را کُرد پیش از وی از قرن‌ها آن قوم را که توانا تر بود از وی و بیشتر بود در جمعیت و پرسیده نمی شوند گنه‌کاران از گناهان ایشان<sup>(۷۸)</sup>.

پس بیرون آمد بر قوم خود در آرائش خویش گفتند آنانکه طلب می کردند زندگانی دُنیا را ای کاش ما را باشد مانند آنچه داده شده است قارون را هر آئینه وی صاحب نصیب بزرگ ست (۷۹).

وگفتند آنانکه داده شد ایشان را علم وای بر شما ثوابِ خدا بهتر است مر آنکس را که ایمان آورد و کار شائسته کرد و قرین کرده نمی شود این سخن مگر صابران را (۸۰).

پس فرو بردیم قارون را و سرای او را بزمین پس نبود برای او هیچ گروهی که نصرت دهند او را غیر خدا و نبود خودش از نصرت داده شدگان (۸۱).

وگشتند آنانکه آرزوی کردند منزلتِ او را دیروز می گفتند ای عجب که خدا گشاده می کند رزق را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ می سازد و اگر نه آن بودی که انعام کرد خدا بر ما هر آئینه فرورودی ما را ای عجب که رستگار نمی شوند کافران (۸۲).

این سرای باز پسین مقرر می کنیم آن را

جَمْعًا وَلَا يَتَّبِعُونَ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿۷۸﴾

نَحْرِهِ عَلَى قَوْمِهِ فِي رَيْبِنَهُ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَلْبِثُ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿۷۹﴾

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْوَيْلَ وَيَكْفُرُونَ بِاللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقِيهَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿۸۰﴾

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ ﴿۸۱﴾

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَيْمِ يَقُولُونَ وَيْكَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَفِّرُ بِنَا أَلَمْ يَكْفُرُونَ ﴿۸۲﴾

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجَعَلَهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا

(۱) یعنی در صورت لزوم پاداش مجال عذر نیست والله اعلم .

برای آنانکه نمی طلبند تکبر در زمین ونه فساد وحسن عاقبت پرهیزگاران راست (٨٣) .

هرکه بیارد نیکی پس اوراست بهتر از آن وهرکه بیارد بدی پس جزا داده نمی شوند آنانکه بعمل آوردند خطاها الا بحسب آنچه می کردند (٨٤) .

هرآئینه خدائی که نازل کرد بر تو قرآن را البته باز گرداننده است ترا بسوی جای بازگشت<sup>(١)</sup> پروردگار من داناتراست بهر که آورد هدایت را وبهر که وی در گمراهی ظاهرست (٨٥) .

وتوقع نمی داشتی که فرود آورده شود بسوی تو کتاب لیکن (فرو فرستاده شد) بسبب رحمتی از پروردگارتو پس هرگز مشو مددگار کافران (٨٦) .

وباز ندارند کافران ترا از تبلیغ آیات خدا بعد از آنکه فرود آورده شد بسوی تو ودعوت کن بسوی پروردگار خویش وهرگز مباش از مشرکان (٨٧) .

ومخوان با خدا معبود دیگررا نیست هیچ معبود بحق غیراوهرچیز هلاک شونده است مگر او مرأوراست فرمانروائی وبسوی او بازگردانیده شوید (٨٨) .

فِي الْأَرْضِ وَلَا فسادًا وَالْعَالِيَةِ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْوَعْدَ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

(١) یعنی آخرت .